

باسمه تعالی

- ۲ **مقدمه واجب**
- ۲ **واجب نفسی و غیره**
- ۲ **حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث**
- ۲ **منشا انحصار تعبدیت به امر ضمنی در کلام مرحوم نائینی**
- ۲ **حل اشکال تعبدیت طهارات ثلاث به بیان زائد**
- ۳ **اشکالات مرحوم آخوند به بیان زائد**
- ۳ **مختار استاد در قضاوت بین ادعای مرحوم شیخ و آخوند**
- ۴ **حل نشدن مشکل عبادیت طهارات ثلاث به بیان ثانی**
- ۵ **حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث با امر نفسی و توصل به ذی المقدمه**
- ۵ **خلط بین مقام امتثال و منشا عبادیت**

موضوع: حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث / واجب نفسی و غیره / مقدمه واجب

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث بود. مرحوم نائینی برای حل اشکال فرمودند: منشا تعبدیت طهارات ثلاث منحصر امر ضمنی نفسی است که به ذی المقدمه تعلق گرفته است. استاد فرمود: منشا عبادیت طهارات ثلاث منحصر به امر ضمنی نفسی نیست؛ بلکه امر نفسی مستقل هم می تواند موجب عبادیت بشود. در این جلسه به بررسی علت انحصار از منظر مرحوم نائینی پرداخته می شود. همچنین دو راه حل دیگر برای حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث بیان می گردد.

مقدمه واجب

واجب نفسی و غیره

حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث

مرحوم نائینی فرمود: منشا عبادیت طهارات ثلاث، امر ضمنی است که به ذی المقدمه تعلق گرفته است. ما گفتیم: منشا تعبدیت طهارات ثلاث، منحصر در این راه نیست؛ بلکه امر نفسی مستقل هم می تواند منشا تعبدیت طهارات ثلاث قرار بگیرد. خلاف ارتکاز است که امر نفسی مستقل، موجب تعبدیت طهارات ثلاث نشود.

منشا انحصار تعبدیت به امر ضمنی در کلام مرحوم نائینی

علت انحصار تعبدیت طهارات ثلاث به امر ضمنی در کلام مرحوم نائینی این مطلب است: ایشان قائل است: لازمه تعبدیت طهارات ثلاث به امر نفسی این است که بتوانیم یک متعلق حکمی را به قصد امر به ذی المقدمه اتیان کنیم. مثلاً بتوانیم نماز ظهر را به قصد امر به ذی المقدمه (نماز عصر) اتیان کنیم، در حالی که خلاف ارتکاز است؛ لذا فرموده است: منشا تعبدیت طهارات ثلاث منحصر در امر ضمنی است که به ذی المقدمه تعلق گرفته است. حتی قبل از دخول وقت نیز منشا عبادیت طهارات ثلاث، امر ضمنی نفسی است و استحباب نفسی را قبول نکرده است.

ما این اشکال را حل کردیم. هر چند که متعارف این است در وضو و غسل به قصد امر به ذی المقدمه اتیان می کنند؛ اما این تعارف به خاطر غفلت از امر استحبابی است.

حل اشکال تعبدیت طهارات ثلاث به بیان زائد

مرحوم شیخ فرموده است: طهارات ثلاث از جهت تعبدیت اشکالی ندارند؛ زیرا مثلاً مولا امر به نمازی که متوقف بر یک مقدمه قریبی است، می کند. بعد مولا می بیند که مکلف به این امر به اتیان قریبی مقدمه (طهارات ثلاث) نمی رسد، برای رسیدن به اتیان قریبی، به بیان زائدی احتیال می کند. مثلاً می گوید: ای مکلف بدان که غرض من از این امر حاصل نمی شود؛ مگر این که مقدمه

۱ اجود التقریرات، نائینی، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲ مطارح الانظار ج ۱ ص ۳۵۱

(طهارات ثلاث) را بر وجه قربی (توصل به ذی المقدمه) اتیان کنی؛ لذا دور لازم نمی آید؛ چون تعبدیت آنها با امر غیره تصحیح نشده است.

اشکالات مرحوم آخوند به بیان زائد

مرحوم آخوند می فرماید: اگر مولا بخواهد از امر اولی به ذی المقدمه، امر به مقدمه درست کند و بعد دوباره مولا بگوید: امر به طهارات ثلاث قربی است، معنا ندارد؛ زیرا ذات طهارات ثلاث مقدمه نیستند؛ پس با امر اول، امر به مقدمه تولید نمی شود. بله؛ در واجبات نفسی این ادعا مجال دارد. مثلاً ذات نماز ملاک دارد و امر به ذات صلا تعلق پیدا می کند، بعد مولا می بیند که مکلف به اتیان قربی کردن آن نمی رسد، امر دومی صادر می کند و می گوید: آن امر اول را به قصد قربی اتیان کن؛ اما در محل کلام، از امر به نماز با طهارات قربی، امر به ذات طهارات تولید نمی شود؛ چون ذات طهارات مقدمه نیستند. مضافاً به این که سلمنا امر به مقدمه تولید بشود؛ باز هم امر دوم غیره است و امر غیره که مقربیت ندارد؛ لذا امر اول که مجال ندارد و امر دوم نیز غیره است و معنا ندارد که مقربیت داشته باشد. علاوه بر این، در بحث تعبدیت به امر ثانی یک اشکال عامی وجود دارد و اساساً متمم الجعل صحیح نیست. امر اول یا محرک هست که مطلوب ثابت است و اگر محرک نیست، امر دوم لغو است.

مختار استاد در قضاوت بین ادعای مرحوم شیخ و آخوند

به نظر ما مرحوم آخوند، کلام مرحوم شیخ را به درستی نقل نکرده است. مرحوم شیخ نمی خواهد بگوید: امر اول به ذات طهارات تعلق گرفته است، تا مرحوم آخوند اشکال کند، ذات طهارات مقدمه نیستند. همچنین مرحوم شیخ نمی خواهد بگوید: امر دوم بر ذات طهارات ثلاثی مترتب شده است که امر دارد، تا اشکال شود امر دوم غیره است و معنا ندارد که مقربیت داشته باشد. مرحوم شیخ می فرماید: امر به ذی المقدمه (نماز مقید به طهارات عبادی) به مقدمه واقعی (مثلاً وضوی قربی) ترشح می کند. یعنی امر نفسی که به ذی المقدمه تعلق گرفته است، به مقدمه واقعی (وضوی قربی نه ذات وضو) ترشح می کند؛ اما چون مکلف این مطلب را نمی فهمد، احتیال به بیان زائد کرده است. یعنی مولا می گوید: ای مکلف بدان که مقدمه باید قربی اتیان شود. ادعای ایشان اصلاً ربطی به تعلق امر به ذات مقدمه و امر دوم برای اتیان قربی ندارد.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۱۲.

ادعای مرحوم شیخ این است که امر به ذی المقدمه به مقدمه واقعی تعلق گرفته است نه ذات مقدمه. حال گاهی اوقات مقدمه واقعی قریبی است و مکلف از آن اطلاع ندارد، با بیان زائد آن را حل می‌کند و گاهی اوقات مقدمه واقعی قریبی نیست و نیازی به بیان زائد ندارد.

بله؛ در کتاب طهارات مرحوم شیخ، تعبیر به ترشح امر به ذات مقدمه شده است و حق با مرحوم آخوند است؛ ولی مرحوم شیخ از آن تعبیر به امر تهیی می‌کند. علی ای حال مرحوم شیخ در کتاب طهارات و مطارح، تعلق امری که به مقدمه ترشح می‌کند را به ذات مقدمه نمی‌داند؛ بلکه به مقدمه واقعی می‌داند؛ لذا اشکال مرحوم آخوند وارد نیست که امر اول درست نمی‌شود. تشبیه محل کلام به واجب نفسی باعث شده است که مرحوم آخوند به اشتباه بیافتد.

حل نشدن مشکل عبادیت طهارات ثلاث به بیان ثانی

به نظر ما راه حل مرحوم شیخ مشکلی را حل نمی‌کند. مشکل این بود: طهارات ثلاث مقدمه هستند و امر غیره دارند و امر غیره موجب تعبدیت نمی‌شود؛ پس چرا طهارات ثلاث تعبدی هستند؟ مرحوم آخوند با امر نفسی مساله را حل کرد و مرحوم نائینی با امر ضمنی مساله را حل کرد. مرحوم شیخ می‌خواهد با بیان زائد این مساله را حل کند، در حالی که این مشکل به بیان ثانی و زائد ربطی ندارد.

مشکل عبادیت طهارات ثلاث با مشکل بیان ثانی و متمم الجعل در واجبات نفسی متفاوت است و هم سنخ نیستند. در بحث قصد الامر گفته شد: قصد امر نمی‌تواند جزئی از ماموریه باشد؛ زیرا منجر به غیر مقدور بودن یا دور می‌شد و با متمم الجعل آن را حل می‌کردند؛ اما در محل بحث، مشکل از جانب جعل نیست؛ بلکه از جانب مجعول است. یعنی شارع می‌تواند این گونه حکم را جعل کند: طهارات ثلاث که مقدمه هستند را با قصد قربت امتثال کنید؛ اما باز هم اشکال محل کلام باقی است که چرا یک چیزی که مقدمه است و امر غیره دارد؛ مقربیت هم دارد؟ این که بگوییم با بیان زائد مولا فرموده است: آن امر غیره را قریبی اتیان کنید، مشکل حل نمی‌شود و هنوز جای سوال باقی است که چرا یک چیزی که مقدمه است و امر غیره دارد، مقربیت هم دارد؟

نتیجه: ادعای مرحوم شیخ از اشکالات مرحوم آخوند مبرا است؛ ولی مشکل را حل نمی‌کند. ظاهر کلام مرحوم شیخ در مطارح نیز این است که ایشان خیلی راضی به این وجه نیست و امر به تأمل و تفصی از اشکال تعبدیت طهارات ثلاث کرده است.

حل اشکال عبادیت طهارات ثلاث با امر نفسی و توصل به ذی المقدمه

مرحوم خوینی فرموده است: امر غیره موجب مقربیت نمی‌شود. مثلاً اگر مولا بفرماید: ادخل السوق و اشتر اللحم و عبد هم بگوید: چون که مولا گفته است ادخل السوق، من داخل سوق می‌شوم، ثواب ندارد؛ زیرا امر غیره مطلوبیت نفسی ندارد. حتی ما گفتیم: اگر مقدمه را انجام بدهد و عمداً ذی المقدمه را انجام ندهد، عقلاء او را توبیخ می‌کنند؛ پس امر غیره مقربیت نمی‌آورد و نمی‌تواند منشأ عبادیت طهارات ثلاث بشود.

منشأ عبادیت طهارات ثلاث یا امر نفسی است و یا قصد توصل به ذی المقدمه است (علی سبیل منع الخلو). اگر مکلفی وضو را به قصد این که امر نفسی دارد، امتثال کند هر چند که غافل از مقدمیت آن باشد، مقربیت دارد. همچنین اگر مکلف به قصد توصل به ذی المقدمه وضو بگیرد و در نیتش این باشد که قصد امر نفسی نکرده است، باز هم مقربیت دارد؛ پس منشأ عبادیت طهارات ثلاث یا امر نفسی است و یا قصد توصل به ذی المقدمه است.

خلط بین مقام امتثال و منشأ عبادیت

به نظر ما بین مقام امتثال و منشأ عبادیت طهارات ثلاث خلط شده است. بلا اشکال اگر کسی در مقام امتثال قصد توصل به ذی المقدمه داشته باشد، امتثال قریبی کرده است؛ اما منشأ عبادیت طهارات ثلاث، قصد توصل به ذی المقدمه نمی‌تواند باشد. به نظر ما منشأ عبادیت طهارات ثلاث، غرض قریبی است. یعنی در صورتی غرض حاصل می‌شود که نماز مقید به طهارات قریبی امتثال شود. ما با مرحوم نائینی در این نکته موافق هستیم که امر نفسی به ذی المقدمه باعث قریبی شدن طهارات ثلاث شده است؛ اما اولاً مرحوم نائینی می‌فرماید: یک بخشی از امر ضمنی شامل طهارات ثلاث شده است و ما می‌گوییم نیاز به این بخش از امر ضمنی نداریم؛ بلکه خود امر نفسی به یک نحوی است که ساقط نمی‌شود مگر این که طهارات به صورت قریبی اتیان شود. صرف این کیفیت امر، موجب تعبدی شدن می‌شود و نیاز نداریم که بگوییم یک بخشی از امر ضمنی شامل طهارات ثلاث شده است. ثانیاً مرحوم نائینی فرمود: امر نفسی نمی‌تواند منشأ قریبیت طهارات ثلاث بشود، ما می‌گوییم: امر نفسی هم می‌تواند منشأ عبادیت طهارات ثلاث بشود.

اگر از ما سوال بپرسند که چرا طهارات ثلاث تعبدی هستند؟ در جواب می‌گوییم: چون امر به نماز مقید به طهارات قریبی تعلق گرفته است و یا امر نفسی دارند.

۱ محاضرات فی الاصول، الخوئی، السید ابوالقاسم، ج ۲، ص ۴۰۱.

